

## کاستیهای اسلام گرایانه در متون درسی دانشگاهی

علی اکبر نوایی \*

### مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، بزرگترین تحول سیاسی - اجتماعی دوران معاصر است که با قدرت و جانمایه‌ی ذاتی اش، تمام روابط و نهادهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی داخل کشور را در معرض تغییراتی همه جانبه و بنیادی قرار داده، همچنین توانسته است بسیاری از معادلات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... نظام بین‌المللی را در معرض تکانه‌ای جدی قرار دهد. این مسأله، به دلیل برخورداری انقلاب اسلامی، از ایدئولوژی پویا و محرکی بود که در همه‌ی بخشها و حوزه‌ها به ارائه‌ی رهنمودهای راهگشا و جهت دهنده‌ای می‌پرداخت و بدین روی، انقلاب اسلامی توانست ره‌آورد گرانسنگی را در پیدایش جنبش بیداری اسلامی آغاز نماید.

این حرکت عظیم و بی‌مانند، با الهام از اسلام قدرتمند و رهبری بصیرش، مداوم به تغذیه‌ی فکری و عقیدتی نیازمند بوده است، نیازی که همچنان به قوت خویش باقی است.

همسویی و انطباق با محتوای دینی در همه‌ی عرصه‌ها و در تشکیل ساختارهای قدرت؛ حرکت عظیم انقلاب اسلامی را قادر می‌سازد که در تمام عرصه‌ها، به عنوان مدلی راهنما و الگویی پرنشاط مطرح باشد و بدین روی همواره نیازمند به تغذیه از منبع الهام بخش و حیات بخش اسلام و کتاب عظیمش قرآن است، که اگر این تغذیه و الهام‌گیری از روح دیانت، مورد توجه قرار نگیرد، بیم آن می‌رود که به صورت تدریجی؛ تعالیم اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اسلام در جامعه، رنگ ببازد و بخش عمده‌ای از عناصر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اسلام دچار وقفه و رکود گردد. یکی از عواملی که می‌تواند ایده‌ی فوق را برآورده نماید و در خدمت این تغذیه‌ی فکری قرار گیرد، عامل متون درسی در عمده‌ترین مرکز علمی، فرهنگی؛ یعنی دانشگاهها است.

در فرایند انطباق متون درسی دانشگاههای کشور با آموزه‌های اسلامی، کارهای عمده‌ای باید صورت می‌پذیرفت تا جستارهای ارزشی اسلام در همه‌ی دروس و در همه‌ی متون به نحوی جلوه‌گر شوند. حال اگر بخواهیم این منظور را در متون لحاظ نموده و محوریت اسلام در متون درسی را در نظر بگیریم، متأسفانه کاستیهای جدی و فرسایش دهنده‌ای وجود دارد. اینک در این بررسی به تبیین پاره‌ای از این کاستیها پرداخته و دلایل عدم اقبال جدی به مسأله را بازگو می‌نماییم بلکه فتح بابی باشد بر تاملی از نو در این مقوله، که البته تامل و تدقیق در این مقوله، همتی همه جانبه را از ناحیه‌ی نهادهای فرهنگی، پژوهشگران، اندیشمندان و فرهیختگان طلب می‌نماید، و همچنین نیازمند تکانه‌ای جدی در سیاست‌گذاری کلان فرهنگی می‌باشد.

## چیستی متون درسی

متون درسی چیستند، چه تعریفی را از متون درسی می‌توانیم ارائه کنیم؟ این اولین نکته‌ی ورود به فضای اصلی بحث است. متن درسی، نوشتاری است که برای یک هدف معین، مراحل طی توصیفی و راهبردی را نشان می‌دهد، و در واقع هر متنی به تناسب هدف خود، به نوشتار درآمده و از متدولوژی خاصی برای رسیدن به اغراض و غایات بهره می‌جوید؛ بنابراین هر متنی دارای مبانی نظری است که به توصیف و تحلیل آن مبانی نظری پرداخته و به استخراج و استنباط مسائلی خاص می‌پردازد و به استنتاجهایی ویژه منتهی می‌گردد.

هر متنی از متون که از زمان و عصری بر جای مانده، دارای پیوستگیها، تبیینها و روابط خاص فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و علمی آن عصر و زمانه است و با مجموعه میراث‌های فرهنگی بشری ارتباط تنگاتنگ و روشنی دارد. بدین روی پژوهشگر و محقق و نویسنده‌ی یک متن، می‌بایستی مفاهیم را به اعتبار تغییر شرایط زندگی و فکری یک جامعه در قالب الفاظی پیوسته به رشته‌ی تحریر و نوشتار درآورد، بدین روش که مفاهیمی را که در زمانی خاص از طرف متفکران و فیلسوفان و عالمان یک رشته‌ی علمی تبیین شده، همانها را بالنده سازد و به فربه سازی آن مفاهیم کمک نموده و به آن غنا ببخشد و در غالب زمان و مکان روزآمدی آنها را عرضه نماید. به این جهت یک متن، هم باید با زمانهای گذشته در ارتباط باشد و هم به بالندگی در زمان حال کمک نماید و به عنوان دادن آتشگیره به ذهن دانش‌اندوزان و دانش پژوهان، به باروری در آینده مدد رساند و لذا هر متنی نیازمند به یک مورفولوژی و تغییرات ساختاری مفاهیم است.

دیگر اینکه یک متن پیش برنده می‌بایستی در عین برنشانیدن اغراض خودش در یک جامعه، با ساختار کلی فرهنگ مقبول و بالنده‌ی آن جامعه در اصطکاک نباشد و میزان و کیفیت مایه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی هر جامعه را در نظر بگیرد، به عنوان مثال؛ اگر امروز پس از پیروزی انقلاب شکوه آفرین اسلامی در ایران، یکی از اهداف عمده، رشد معنویت و استقلال فکری است، متون می‌بایستی با این کلیت، نه تنها در اصطکاک نباشد، بلکه به بالندگی و بهره‌وری این مفاهیم هم کمک نماید.

این نوع نوشتار متنی باعث می‌شود که در متون علمی محض هم، مفاهیم پایه لحاظ شوند؛ یعنی مفاهیم معنایی و گرایشهای استقلال طلبانه در نظر گرفته شوند.

### ویژگیهای بارز یک متن دانشگاهی

با عنایت به آنچه گفته شد، یک متن دانشگاهی که می‌خواهد آرمانهای اسلامی و دینی را به منصفه بروز و ظهور برساند می‌بایست دارای چند ویژگی و خصوصیت روشن و بارز باشد:

#### ۱- برخورداری از تفکر پایه

یک متن می‌بایست تفکر اصیلی را پایه قرار بدهد و آن را به عنوان اصل موضوعی و هدف غایی در نظر بگیرد و اگر می‌خواهد استقلال در حوزه‌های تجربی، علمی، سیاسی، اقتصادی را پایه قرار دهد، این تفکر پایه در همه‌ی بخشها وجود داشته باشد. یا اگر بنا است که به عنوان مثال جامعه‌ی دانشگاهی، پیوندی استوار را با اسلام، به عنوان یک کلیت غرور آفرین برقرار کند، این غرض در تمام بخشهای نوشتارها خود را به نمایش بگذارد.

در این زمینه، امام خمینی می‌فرمایند:

و آن معنایی که از علوم دانشگاهی ما می‌خواهیم و آن معنایی که از علوم مدارس قدیم ما می‌خواهیم همین معنا نیست که در سطح ظاهر، الان هست و متفکرین ما همان سطح ظاهر را در آن دارند، می‌کنند و بسیار هم ارجمند است کارهایشان، لکن آنکه اسلام می‌خواهد این نیست، آنکه اسلام می‌خواهد؛ تمام علوم، چه علوم طبیعی باشد و چه علوم غیرطبیعی باشد... آن مقصدی که اسلام دارد این است که تمام اینها مهار شود به علوم الهی و برگشت به توحید بکند، هر علمی که جنبه‌ی اولوهیت در آن باشد، یعنی انسان طبیعت را که می‌بیند، خدا را در آن ببیند، ماده را که می‌بیند، خدا را در او ببیند، سایر موجودات را که مشاهده می‌کند خدا را ببیند، آنکه اسلام برای او آمده است، برای برگرداندن تمام موجودات طبیعی به اولوهیت و تمام علوم طبیعی به علم الهی. و از دانشگاهها هم این معنا مطلوب است، نه اینکه خود طب را، البته طب هم باید باشد. علوم طبیعی هم باید باشد، معالجات بدنی هم باید باشد، لکن مهم آن مرکز ثقل است که مرکز توحید است، تمام اینها باید برگردد به آن جنبه‌ی الوهیت.<sup>(۱)</sup>

۲ - برخورداری از موضع

در یک متن درسی دانشگاهی باید نوعی موضع‌گیری خاص نسبت به

حقایق علمی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی و دینی، وجود داشته باشد، و این مسأله وقتی میسر است که نویسندگان متون، مقلد صرف نباشند، بلکه واقعاً محقق باشند، این امر سبب می شود که در داده های یک متن، بالندگی وجود داشته باشد.

«اسلام هم آمده است، این انسان را درستش بکند و بسازد و همی بُعدهایش را، نه یک بُعد فقط، نه همان بُعد روحانی تنها که غفلت کند از این جهات طبیعت و نه بُعد طبیعت که اکتفا به این کند از او، این وسیله است.»<sup>(۱)</sup>

برخورداری یک متن از موضوع، نشان می دهد که نویسنده ی آن متن، طوطی صفت ننوشته است بلکه به یک مرحله ای از توانایی علمی رسیده و این توانایی در داشتن موضع است.

### ۳- ارائه ی طریق و اعطای جهت

جهت دهی در متن، یک شاهکار است که از هرکسی بر نمی آید، بلکه از کسی برمی آید که دارای سوزی و دردی باشد و تا نویسنده دارای چنین ویژگی و خصلتی نباشد، هرگز نخواهد توانست جهت دهی لازم را انجام دهد.

مثلاً برخی در نوشتن یک متن اقتصادی، چنان می نویسند، که ممکن است دانشجو بپندارد که اصالت، با اقتصاد است و لذا این متن، می شود متنی شیطانی و کتابهای شیطان گونه هم فراوانند، کارشان این است که در فرهنگ و تمدن تخریبگری بکنند و به انهدام بنیادها پردازند و یا حداقل نسبت به جهالت انسانی بی تفاوتند.

امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

«زیربنا اقتصاد نیست، برای اینکه غایت انسان، اقتصاد نیست، انسان زحمتش برای این نیست که فقط شکمش را سیر کند یا جوانهایش را بدهد شکمش سیر شود، حرف است اینها. از اینجا تا لانه‌ی انسان هست، این انسان، مردنی نیست، انسان تا آخر هست و برنامه‌ی اسلام این است که این انسان را جوری کند که هم اینجا صحیح باشد، هم آنجا صحیح باشد، راه مستقیم، نه شرق و نه طرف غرب، صراط مستقیم، یک سرش اینجا است یک سرش هم لانه‌ی است.»<sup>(۱)</sup>

#### ۴- برخورداری از نظریه‌ی تأسیسی و دوری از تقلید

ما مدتها است که مصرف‌کننده شده‌ایم، روزی بود که دیگران، روبه‌ما داشتند و تلاش می‌کردند علوم ما را به استخدام درآورده و به مصرف برسانند، اما امروزه دقیقاً قضیه وارونه شده است؛ یعنی از زمانی که هجوم فرهنگ و علم و تکنولوژی غربی به طرف ما آغاز شد، همواره در پی تقلید آنها راه افتادیم و نتیجه آن شد که مسأله‌ی تحقیق و پژوهش در دانشگاه‌های ما به امری مغفول و مطرود بدل شد و نتیجه آن شد که در این قرون اخیر، نظریه‌تأسیسی کمتر در در دانشگاه‌ها و محافل علمی ما رخ نموده است. ما باید بتوانیم در متون درسی دانشگاهی، چهره‌ی تقلیدی را مستور نموده و تفکر تأسیسی را در تمام حوزه‌ها و بخشها نشان بدهیم.

متأسفانه وقتی سخن از تحقیق به میان می‌آید، رسم این شده است که

ذهن ما بلافاصله متوجه میکروب و ویروس و اتم می شود و خیال می کنیم که تحقیق در دانشگاه، یعنی در رشته های پزشکی یا فیزیک، یا شیمی، در حالی که تحقیق، گذشته از اینها شامل علوم دیگر نیز می شود، مخصوصاً علمی که تحقیقات عالی و دانشگاهی را خواه ناخواه با مسائل روز جامعه پیوند می دهد، مثل تحقیق در علم اقتصاد و جامعه شناسی و ادب و حقوق و تاریخ و جغرافیا و هنر و فلسفه و غیره. در اینجا است که می بینیم تحقیق و تتبع دانشگاهی، با زندگی روزانه ی مردم و مسائل و مشکلات آنها مربوط می شود و استادان و گروه های آموزشی دانشگاهها را در اثر برخورد مستقیم با این مسائل خواه ناخواه به قبول نوعی مسؤولیت اجتماعی و انسانی و اخلاقی وادار می سازد. و بدین روی، نقص دانشگاههای ما بطور عمده در عدم پژوهش و عدم برخورداری از تفکر تاسیس در قلمروهای مختلف علوم، اعم از تجربی، طبیعی و انسانی است. مسأله ی تولید علم، که در بیانات مقام معظم رهبری وجود داشت، دقیقاً بازگشت به همین نکته است. دانشگاه، مظهر حیات فکری جامعه است و هر چه بالنده تر و پویاتر باشد، بیشتر حاکی از حیات فکری و بالندگی اجتماعی است. دانشگاه می تواند یقین گر جهت گیریهای طولانی مدت و معقول جامعه باشد و می تواند تفکر استقلال و معنا خواهی را به درون جامعه تزریق کند، به شرطی که دیگر مقلد نباشد، و در صدد تأسیس تفکر و تولید علم باشد.

«دانشگاهها باید تغییر بنیانی کند و باید از نوساخته

بشود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیتهای

اسلامی<sup>(۱)</sup>... و باید علم در آن پرورش یابد<sup>(۲)</sup>...



برنامه‌ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه‌ی مردم،  
توام با حفظ شعایر و ارزشهای اسلامی و پرهیز از  
تنگ‌نظریها و افراط‌گرایها و مبارزه با فرهنگ مصرفی که  
بزرگترین آفت یک جامعه‌ی انقلابی است.»<sup>(۳)</sup>

### ره‌آوردهای متن مطلوب

با توضیحاتی که در باب بایستگیهای یک متن داده شد، می‌توانیم به  
چند ره‌آورد اساسی نایل شویم:

#### ۱- هماهنگی با واقعیات اجتماعی

متنی با چنان ساختاری، همواره با واقعیات اجتماعی سروکار خواهد  
داشت و دیگر، کلیت دانشگاه از جامعه جدا نخواهد افتاد و بسان جزیره‌ای  
در اقیانوس بزرگ جامعه بدل نخواهد شد.

#### ۲- تبدیل شدن دانشگاه به مرکز تحولات

در چنین وضعیتی، دانشگاهها تبدیل به مراکز تحول اساسی در کشور  
خواهند شد و این تحولات، نتیجه‌اش رشد همه‌جانبه‌ی کشور در تمام  
بخشها، با در نظر گرفتن استقلال و خودکفایی و اسلام‌گرایی خواهد بود.

#### ۳- اسلامی شدن دانشگاه

ره‌آورد دیگر متن جهتدار و مطلوب و معطوف به اندیشه‌ی دینی، ایجاد  
گرایش و شوقی همگانی نسبت به اسلام خواهد بود و به دلیل اینکه اسلام،  
رشد می‌خواهد، پیشرفت علمی را طالب است، تحقیق را طالب است،

۲. همان، ج ۸، ص ۱۹

۳. همان، ج ۲۱، ص ۳۸

درایت و بصیرت را می‌خواهد، فکر تصفیه شده و بالنده و سالم را می‌خواهد؛ متون بایسته باعث می‌شود که به تمام معنا، دانشگاه به سمت آموزه‌های اصلی اسلام و نه شعارهای صرفاً ظاهری حرکت نماید.

در اندیشه‌ی اسلامی درایت دینی اصل است و نه روایت‌گری صرف. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «کونوا دراة و لا تکنوا رواة»؛ یعنی اهل درایت باشید و تنها اهل روایت مباشید.

در جایی دیگر فرموده است «کونوا نقاد الکلام»؛ کلام را به نقد بکشید و سره را از ناسره جدا سازید.

اگر متونی با این رویکرد به رشته‌ی تحریر درآید، جامعه‌ی دانشگاهی به تمام معنای کلمه اسلامی می‌شود. پیامبر بزرگوار اسلام، چنان حض و ترغیب و تشویقی را راجع به آموختن علم دارد که می‌فرماید به چین، که دورترین نقاط بوده هم اگر بروید، شایسته خواهد بود:

«اطلبوا العلم ولو بالصین»؛ علم را بجوید ولو مستلزم رفتن به چین باشد

این رویکرد، خود جزئی از نقشه‌ی بزرگ اسلامی شدن دانشگاه است، دانشگاهی که به استقلال اندیشه و فکر و تحقیق و نوآوری علمی رسیده باشد و در عین حال، عشق به اسلام در آن نهادینه شده باشد، دانشگاه اسلامی خواهد بود و این رویکرد با متنهای مبتنی بر رهیافت فوق میسر خواهد گردید، که امید داریم چنین رویکردی در دانشگاههای ما نهادینه شود.

### نارسایی‌های متون درسی دانشگاهها

اگر مطالب پیش نوشته را مرور کنیم و تا اندازه‌ای به متون ارائه شده در

سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نظری بیفکنیم و این متون را با اهداف بلند انقلاب اسلامی تطبیق نماییم، درمی یابیم که کاستیهای جوهری و ساختاری در متون درسی موجود در دانشگاهها وجود دارد. همین نارساییها، به نوعی عدم توسعه در اکثر رشته های علمی و آزمایشگاهی منجر شده و نیز فقدان انگیزش لازم نسبت به استقلال و اسلامیت دانشگاه را سبب گشته اند. که در این بخش به این نارساییها اشاره می نماییم.

### ۱- فقدان همسویی با ساخت جامعه ای دینی و نوین

این نکته به شدت مورد توجه همه ی کشورها و ملتهای دنیا است که دانشگاهها همیشه و در همه جای دنیا، مرکز تحول فکری و جنبش عقیدتی و اخلاقی و محل عرضه کردن ارزشهای نوین تاریخی اند و نیز این نکته هم مورد توجه است که جوامعی که پس از یک دوره تحول، در حال گذار قرار می گیرند و پس از یک تحول اجتماعی، مسیری نوین را گزینش می کنند، جوامعی هستند که علیه وضع گذشته، عصیان کرده اند و دیگر انگاره ها و افکار و عملکردهای نظام پیشین را برنمی تابند و در اندیشه ی این جوامع، رفتن به فضایی نوین مطرح است. در ایران نیز، انقلاب سترگ اسلامی، جامعه را از مرحله ای به مرحله ی دیگر پیش آورد، اقتضای این انتقال، آن است که جامعه ای نوین و نمونه، متناسب با وضعیت و اقتضائات جدید ایجاد گردد. شعارهایی که در درون انقلاب مطرح گردید، رویکرد نوین جامعه را هم تعریف می کرد، رویکرد به استقلال، دینی شدن و گسست از فرهنگهای منحط غربی و شرقی، مقتضای شعارها بود بطور مسلم در این راستا، دانشگاهها از اهمیت و نقش محوری برخوردار بودند که می بایست از روز نخست پیروزی، انقلاب فرهنگی همه جانبه ای در آن روی می داد و

متونی متناسب با نوسازی جامعه ایجاد می‌گشت و ارائه می‌شد و اساساً تکامل اجتماعی هم مفهومی جز این نداشت.

در این راستا، متون درسی دانشگاهی، سخن کلیدی و اصلی را می‌گویند و لذا همسویی آنها با ساخت جامعه‌ای نوین ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود. متاسفانه در دانشگاه‌های کشور، هیچگونه تلاشی معطوف به این هدف بلند هنوز صورت نیافته، یعنی در خصوص متون، با این انگیزه‌ی عالی حرکتی رو به جلو دیده نمی‌شود.

در اینجا سئوالی قابل طرح است که باید از ناحیه‌ی اداره‌کنندگان بُعد علمی دانشگاه به آن پاسخ داده شود و آن سئوال این است که دانشگاه‌های ما به چه میزان، از مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و تاریخی و هنری و فلسفی و جامعه‌شناسی روز، جامعه‌ی خود را با رویکردهای اسلام‌گرایانه و اسلام محورانه در برنامه‌های خود گنجانده‌اند؟ و چه اندازه در تحقق بخشیدن عنوان اسلامی شدن و ارائه‌ی افکار علمی و راه‌حلهای مطلوب، آن را مورد توجه قرار داده‌اند؟

واقعیت این است که اگر بخواهیم درجه‌ی مورد انتظار از این رویکرد را در نظر بگیریم، هرگز تلاشها با هدفهای کلیدی انطباق ندارند.

در فرهنگ اسلامی ما، کار، عبادت محسوب می‌شود و فردی که در راه اعتلای جامعه کار می‌کند، اگر در حال کار با انگیزه‌ی خدمت به جامعه‌ی دینی، بمیرد، شهید محسوب می‌شود و همچون مجاهدی در راه خداوند است، متون درسی و کلاسهای درسی، چه اندازه توانسته‌اند این ارزش را در دانشگاه پاس بدارند.

باز هم سئوال فوق، پرسشی قانع‌کننده و مثبت را نخواهد داشت.

بطور اجمال انگیزه‌ی اصلی در نظام تربیتی اسلام، ساختن شخصیت‌های اسلامی است، که در واقع اگر متون درسی ما نتوانند به ساختن شخصیت اسلامی بپردازند، فاجعه‌ای تاریخی خواهد بود، چنانکه پس از رسول اکرم (ص) حکومت‌های پس از ایشان، قادر به ساختن شخصیت متناسب با جامعه‌ی اسلامی نبودند و چنان روحیه‌ها را تخریب نمودند که وقتی حضرت علی علیه‌السلام به حکومت رسید، دیگر دیر شده بود و آن حضرت در آن برهه‌ی تاریخی دیگر نتوانستند، به شخصیت‌های موجود جامعه - آنگونه که مورد انتظارشان بود - شکل دهند و شخصیت‌های اسلامی به صورت انگشت شمار در محضر آن حضرت پروریده شدند.

گرایش به تکامل شخصیتی در همه‌ی افراد به صورت بالقوه وجود دارد، و فقط باید آن را به فعلیت درآورد و یک متن پرورده و متناسب می‌تواند این مهم را برآورده سازد. و افرادی با ساختاری نوین و متناسب با جامعه‌ی نوین ایجاد نماید.

«رمزی که منجر به این تحول ناگهانی در فرد می‌گردد، تقریباً یا به طور کامل در درون خود فرد به شکل ناخودآگاه سازمان یافته و بالقوه وجود دارد، و تنها شرایط مساعد و موقعیت ویژه‌ای از نوع ارتباط عاطفی، روانی در قالب نمادین بیرون را می‌طلبد تا به یکباره تکانه‌ای بر هم زنده ایجاد گردد و به بیرون از فرد فزاینده شود. به عبارت دیگر، این نوع ارتباط، زبانی است پنهان و مخفی که فرد محتوای آن را با همان فطرت و صورتی که دارد، می‌پذیرد و یا فطرت و صورت آن را دگرگون می‌کند

## و به جنبه‌های نهفته‌ی شخصیت خویش رسوخ

می‌دهد.<sup>(۱)</sup>

متن کارساز، معجزه‌گراست و قادر خواهد بود، در حالی که مثلاً فیزیک را آموزش می‌دهد، تحول باطنی و شخصیت سازی را هم ایجاد بکند و انگیزش بدهد و به انتقال معارف بلند یاری رساند.

چنانکه شخصیتی اسلامی نقل کرده است که در دوران قبل از انقلاب، استاد فیزیک در کلاس درس دانشگاه، با یک کلمه تحولی ایجاد کرد و آن کلمه این بود که در بحث محرکها در فیزیک، سئوالی از دانشجویان پرسید که یک محرک برای جامعه وجود دارد، نظر بدهید که آن محرک چیست؟

هر یک از دانشجویان چیزی گفت، استاد در نهایت چنین گفت که محرک بزرگی که جامعه را وادار به حرکت می‌کند، مذهب و دین است، خصوصاً مایه‌های این تحرک در اندیشه‌ی شیعی است.

این شخصیت اسلامی نقل می‌کند که این کلام استاد، باعث تحولی عمیق در دانشجویان آن کلاس شد و همه‌ی دانشجویان آن کلاس را در معرض ساخت شخصیتی قرار داد به نحوی که بعداً همه‌ی آنها در خدمت آرمانهای انقلاب بلند اسلامی قرار گرفتند.

### ۲- اصطکاک در ساختار متون

یکی از نگرانیهای اساسی درباره‌ی متون، این است که برخی از متون تبدیل به چشمه‌ی خشکیده‌ای شوند و تبدیل بشوند به عنوانی که فقط پاره‌ای از مفاهیم خشک و قالبی و کلیشه‌ای را ارائه می‌کنند. نگرانی بالاتر

۱. دکتر عبدالعظیم کریمی، رویکردی نمادین به تربیت دینی، چاپخانه الغدیر، سال

این است که این متون احیاناً با یکدیگر تضاد ارزشی پیدا کنند و بینشان نوعی اصطکاک مشاهده شود.

همه‌ی متون باید به نوعی به گسترش اندیشه‌ی خدامحوری در جامعه‌ی کمک نمایند و در جامعه ما بارزترین خصوصیتش این است که در اندیشه‌ی گسترده‌تر سازی خدامحوری هستند؛ یعنی نوعی گرایش عمیق و همه‌جانبه در این زمینه خودنمایی می‌کند. آنچه که امروز در جامعه‌ی ما اهمیت دارد این است که همه‌ی گروه‌های علمی دانشگاهی، از راه‌های مختلف و پراکنده‌ای همچون ادبیات، هنر، معماری، فیزیک و شیمی و... به سوی نقطه‌ی گم‌گشته و معهود تاریخی حرکت نمایند و بدین روی در همه‌ی متن‌ها با اختلاف متدولوژیها و علوم و روشهایی که وجود دارد، آهنگ واحدی بر کلیت ساختار متون حاکم باشد که گویا همه یکدیگر را تکمیل می‌نمایند.

مثلاً اگر دروس معارف اسلامی - که آن هم به صورت کم‌مایه و بی‌رمتی به انتقال مفاهیم اسلامی می‌پردازند - از اسلام سخن می‌گویند و یا در درس انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی، به صورت نمادی برجسته در دوره‌ی معاصر مطرح می‌شود. در همین حال متون دیگر، در متدهای علمی، جامعه‌شناختی کاملاً اقتباس و تقلیدی از غرب عمل می‌نمایند و متاسفانه با آنهمه پیشینه و قدمتی که تاریخ علم در میان اندیشمندان اسلامی دارد، کمتر و یا هرگز به آنها پرداخته نمی‌شود و شاید که برخی از متون، به نوعی با گرایشهای غربی و به دور از سنتهای اسلامی به تبیین اندیشه و علم می‌پردازند که خود آفتی بزرگ و آسیبی سترگ در عرصه‌ی متنی به شمار می‌آید. در فلسفه، ملاصدرا و سبزواری را داریم و در طب، ابن سینا و در نجوم، خواجه‌نصیر طوسی و در سیاست، فارابی و... را؛ اما متونمان اکثراً با

این گویهرهای تابناک تضاد دارد، متاسفانه در این راستا، تحول متنی نداشته‌ایم و هر چه بوده، حاشیه نویسی‌هایی بوده است که بر متون خورده و یا حفظ عباراتی از متون غربیان بوده است که به نوعی روشن، اصطکاک متنی را گزارش می‌دهد. در همین زمینه نکته‌ی درخور اهمیت این است که بسیاری از کسان و شاید اکثریت، ادای علم را در می‌آورند، ولی در واقع کاسب کاری می‌کنند. در دانشگاه چندین جا تدریس دارند، رساله قبول می‌کنند و پیوسته در صدد نوعی کاسب کاری هستند و بدین صورت است که نمی‌توانیم تحولی را از راه متون در حوزه‌ی فرهنگ و علوم اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و دین‌شناسی و ادبیات و... به وجود بیاوریم. به قول پابلونرودا که گفت: از قلب سنگی و طبع شاعرانه‌ی سنگی، آهنگی در نمی‌آید.

و یا بنا به ضرب‌المثل معروف ایرانی؛ از کوزه همان برون تراود که در اوست.

کار متون دانشگاهی، حجیم‌نویسی است، ولی موجز نیست که عبارات اندک، مفاهیم بلند را فریاد کنند و طوری باشد که در یک عبارت کوتاه، دنیایی از معنا نهفته باشد. این کاستی، بسیار ویرانگر و کشنده است و انسان و فرهنگ را به زنجیری می‌بندد و نمی‌گذارد که پایش را از حوزه‌ی نفسانیات خودش فراتر گذاشته و به افقهای دوردست سفر کند و بدین روی است که در متون، اصطکاک پیش می‌آید، اصطکاک‌کی ویرانگر و کشنده.

### ۳- فقدان انگیزه و انگیزه‌دهی

در متون بسیاری می‌توان غورکرد و این سخن را دریافت که متون، اکثراً هم بافقدان یک انگیزه‌ی مشخص نوشته می‌شوند و هم قادر بر انگیزش و



دادن انگیزه نیستند. متون درسی می‌توانند از اهرمهایی که در روح افراد وجود دارد بهره‌برداری نمایند و معجزه‌ی ایجاد انگیزه و خلق دنیایی نو را نوید دهند.

«آموزش و پرورش [دانشگاهها] چگونه می‌توانند در توسعه‌ی فرهنگی، که خمیرمایه‌ای است که از طریق آن توانایی «خودبیانگری» و «خوداصلاحی» ایجاد و توسعه‌ی جامعه میسر می‌شود، مشارکت کنند؟  
یک روش، توسعه‌ی تکنیکهای آموزشی به منظور خلق موقعیتهایی در درون اجتماع یا جامعه است که از طریق آن سطح آگاهی افراد و بصیرت آنها نسبت به نیروی بالقوه‌ی خودشان افزایش می‌یابد، این بصیرت، پیش‌نیاز بنا کردن منابع دیگر، بر مبنای منابع قبلی است که جوهر توسعه‌ی درون‌زا به شمار می‌روند.»<sup>(۱)</sup>

یکی از چیزهایی که در این جامعه می‌تواند غوغایی ایجاد بکند این است که اهل فکر و انسانهای اندیشمند و عالم و باسوادی داشته باشیم که دارای انگیزه باشند و بتوانند در این کشور دانش را پاس بدارند.  
تأسف بزرگی که وجود دارد این است که همه‌ی کسانی که باید صاحب فکر و اندیشه باشند، سرشان را از پنجره‌ی سیاست بیرون می‌کنند و یا به طرف راست و یا به طرف چپ می‌روند.  
بطور اجمال؛ اتومبیل و موبایل و... را می‌شود با پول خریداری کرد، ولی

۱. یونسکو، فرهنگ و توسعه، ترجمه نعمت‌اله فاضلی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، زمستان ۷۶، ص ۶۴

دانش را نمی‌توان با پول خریداری نمود. بنابراین در حوزه‌ی پژوهشهای متنی علمی، فاقد انگیزه‌ایم و به نوعی، یا دچار کاسب کاری شده‌ایم و یا سر از پنجره‌ی سیاست زدگی درآورده‌ایم و این نارسایی غمباری در تاریخ و در جامعه‌ی کنونی ما است و بالاخره چون انگیزه نداشته‌ایم، تحول متنی هم نداشته‌ایم.

### کاستیهای حوزه‌ی دین پژوهی

کاستیهای پیش نوشته، کاستیهای کلی بود که در کلیت دانشگاه، متاسفانه خود را عریان ساخته‌اند، اما در عین ادعاهایی پرطمطراق و عنوانهای دهن پرکن، در حوزه‌ی دین پژوهی در دانشگاه، یا به تقلید گرفتار شده‌ایم و یا به بازگویی نکته‌های کهنه و قدیمی، و متاسفانه حرف جدیدی را نتوانسته‌ایم مطرح بکنیم که مناسب می‌بینیم در این بخش نوشتار، گریزی به دروس معارف اسلامی بزنیم.

از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، متون فراوانی درباره‌ی دروس معارف اسلامی ارائه شده است، متونی فراوان درباره‌ی معارف ۱ و معارف ۲ و اخلاق اسلامی و انقلاب اسلامی و متون اسلامی و تاریخ اسلامی؛ اما هیچکدام حرف دل اسلام را نتوانسته‌اند بزنند و نتوانسته‌اند به گونه‌ای مباحث را زمینه سازی کنند که این نسل دانشجویی، شیفته و شیدای اسلام بشود و درس معلمی زمزمه‌ی محبت و زمزمه‌ی عشق و انجذاب نبوده است. متون دینی و پژوهشهای مربوط به دین، نتوانسته‌اند چیزهایی خرافاتی و غیرواقعی را که به نام دین به خورد افکار و اندیشه‌ها داده شده، بزدایند و بعد از آن فکر درست و اندیشه‌ی صائب را ایجاد بکنند. در این بخش هم بسیار دچار تقلید شده‌اند، در مباحث معرفت‌شناسی، در مباحث

دین‌شناسی، در مباحث خداشناسی، سعی می‌شود برخی که صاحب اطلاعاتند، ادای برخی از معرفت‌شناسان غربی و یا دین‌پژوهان غربی را درآورند و برخی هم که دارای مایه‌ی علمی اندکی هستند و به لطایفی مدارک‌های دهن‌پرکن گرفته‌اند، به همان اندوخته‌های گذشته بسنده کنند و بالاخره حوزه‌ی دین‌پژوهی ما هم کم از حوزه‌ی پژوهش‌های علمی بنیادیمان نیست.

در این خصوص، لازم است به چند کاستی عمده در این باب فقط اشاره کنیم

#### الف) فقدان متنی ثابت و منطبق بر معیار

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون متون فراوانی نوشته شده، که هر متنی اگر بخواهد مورد نقد و ارزیابی دقیق علمی قرار بگیرد، پر از خطا و اشتباه است و علاوه اینکه هنوز متنی تثبیت شده و از فیلتر نقد خارج شده وجود ندارد که استاد معارف به راحتی بتواند آن متن را تدریس نماید.

در بحث‌های معارفی، مسأله‌ی خدایابی مهمتر از استدلالها بر وجود خداوند است و مسأله‌ی ایجاد حس عبودیت در برابر خدا مهمتر از اقامه‌ی برهانهای خشک فلسفی، همچون حرکت جوهری است که بر فرض که استاد، کاملاً آن را درک کرده باشد، قطعاً دانشجو نمی‌تواند آن را در هاضمه‌ی فکری خود، تبدیل به اندیشه بکند و متأسفانه مدتهای مدیدی همین بحث، سرفصل جدی درس معارف اسلامی قرار داشت که پس از آن همه وقت‌کشیها از میدان بحث عملاً خارج شد.

واقعاً ما تاکی می‌خواهیم کلاس درس دانشگاه را آزمایشگاه طرح مسائل قرار بدهیم که آنهم آزمایشی طولانی مدت، که در حد ۱۲ سال و یا بیشتر

طول بکشد.

رهبری معظم انقلاب اسلامی در این باب می‌فرمایند:

«اگر توانستید جوانهای دانشجوی را متدین کنید، هم دنیا و آخرت آنها، هم دنیا و آخرت خودتان را آباد کرده‌اید، اگر خدای ناکرده، در این زمینه، کوتاهی کردید هم به دنیا و آخرت آنها ضربه زده‌اید و هم دنیا و آخرت خودتان، دچار ضربه می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

ب) فقدان معیار در متون اخلاق اسلامی

همین فقدان معیار را در متون درسی اخلاق اسلامی هم مشاهده می‌کنیم. اولاً مباحثی نظیر نسبت اخلاق و یا اطلاق آن، تعریف ارزشهای اخلاقی، مکتبهای اخلاقی، نباید کشدار و پردامنه مطرح شود و ثانیاً باید رویکرد مباحث اخلاقی سمت و سوی تهذیبگری و جهت‌دهی معنوی داشته باشد تا در نسل معاصر، بذرفضیلتها را بپاشد و آنها را بپرورد.

رهبری معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند:

«می‌دانید که اخلاق هم، درسی نیست، خیال نکنید که اخلاق، درس اخلاق است، درس اخلاق، به آدم اخلاق نمی‌دهد، به آدم علم می‌دهد، ممکن است من علم اخلاق بلد باشم، اما علم اخلاق، لزوماً به معنای داشتن اخلاق خوب نیست.... مصرف کردن اخلاق، اصل است، باید

۱. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجویان در سخنان مقام معظم رهبری، چاپ بهار،

اخلاق را مصرف کرد، باید کیفیت اخلاقی پیدا کرد.»<sup>(۱)</sup>

### ج) آشفته‌گی و سردرگمی در درس انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، بزرگترین تحول سیاسی، دینی، اجتماعی و تاریخی دوران معاصر است، حجم تاثیرات، شکستن معادلات، مشارکت توده‌ای و اجتماعی، رهبری نافذ و بصیر، انگیزه‌های الهی، انسانی و بزرگ در این انقلاب، آن را در میان همه‌ی انقلابهای تاریخ معاصر و حتی تاریخ گذشته، برجسته نموده.

انقلاب اسلامی در حکم هوایی تازه و نفسی صبحگاهی است که حیات بخش است، در این زمینه نیز متنی مشخص یکنواخت و از فیلتر نقد خارج شده وجود ندارد، یا تکرار مکرراتند و یا بحثهایی که تا حدودی فراوان تنش زاینده و نوعی تنش فکری را موجب می‌شوند. این بخش هم می‌بایست به صورت زنده و بالنده‌تری مورد توجه واقع گردد و به دور از ادعاها و شعارهای توخالی به متنی در خور قامت رسای انقلاب اسلامی دست یابیم.

### د) فقدان جهت‌گیری مطلوب تربیتی نانی و مطالعات فرهنگی

یکی از کاستیهای عمده‌ی دیگری که در متون معارفی وجود دارد، فقدان جهت‌گیری صحیح تربیتی است، یعنی فقط به پاره‌ای از اصطلاحات و اطلاعات بسنده شده است. یک متن، باید جهت‌گیری تربیتی داشته باشد. آیا ما هدف را در متون معارفی مشخص نموده‌ایم، که می‌خواهیم چه نوع انسانی را تربیت کنیم؟

۱. دانشگاه و دانشجو، در آیین‌های کلام رهبری، چاپ اول، مرکز چاپ و انتشارات،

احمد بن ابی الحواری، عارف، نقل کرده است که به راهبی گفتم: محکمترین چیزی که در کتابهایتان یافته‌ای کدام است؟ جواب داد: من هیچ چیزی را اقوی از این نیافتم که امر شده است تمام تدابیر و قوت خود را برای محبت به خالق به کار باید برد و در راه خالق باید ساخته و پرداخته شد.

«این گونه معرفت، به وسیله‌ی اشراق و انکشاف حاصل می‌شود و اگر قبل از پرورش این شوق درونی، به تربیت تصنعی، شتابزده، حفظی و صوری در باب دین، همت گماریم، حجابی بر رغبت دین جویی زده‌ایم، که گفته‌اند «العلم هو الحجاب الاکبر»؛ علمی که با حضور قلب نباشد، بزرگترین حجاب است.»<sup>(۱)</sup>

در تبیینهای هدفمندانه، نیازمند به نوعی زیباشناسی هستیم که این عنصر، به شدت غیبت دارد و تجلی ندارد.

«هدف از تربیت دینی، پرورش شور و شوق فطری نسبت به جلال و جمال الهی است، نه ارائه‌ی مستقیم معارف، هدف از تربیت دینی، عشق به دین است، نه انتقال دین.»<sup>(۲)</sup>

امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

«اینطور نباشد که شما که آنها را تعلیم می‌دهید و ان‌شاء... موفق خواهید بود، غفلت کنید از تربیت، از این

۱. دکتر عبدالعظیم کریمی، رویکردی نمادین به تربیت دینی، نشر سال ۱۳۷۴، ص

غفلت نکنید، محتاج است انسان به موعظه، محتاج است انسان به تربیت، تا آخر عمر احتیاج دارد. علم را با تربیت؛ اینها دو بالی است که انسان می تواند با او سیر کند الی الله تعالی، همانطور که تعلیمشان می کنید، به تقوا دعوتشان کنید. آن جمله هایی که می خواهید یادشان بدهید، جمله هایی باشد که دعوت به تقوی شده، دعوت به مکارم اخلاق شده.»<sup>(۱)</sup>

#### ه) غیبتِ رهابخشی متون معارفی

یکی از بحثهای کلیدی که در متون درسی معارف اسلامی، غایب است، این نکته است که به نوعی باید ذهن مخاطبان از اسارت‌های فکری خارج بشود. واقعیت این است که اسارت اندیشه در ایران در میان بسیاری از تحصیل‌کردگان ما وجود دارد. مثلاً کسانی که از دویست سال پیش در جامعه‌ی ما، دم از اصلاحات زدند، خواستند ادای لوتر را دریاورند، اما در واقع لوتر را هم نشناختند، مثلاً مارتن لوتر، می گفت که من هر چه را که در متن انجیل وجود دارد، قبول دارم، زیرا متن درست است و من عقل خودم را تخطئه می کنم که اگر بخواهم بگویم متن مسیحیت اشکال دارد. لوتر آموزه‌های دین مسیحیت را بررسی کرد و گفت از ۶۰۰ یا ۵۰۰ آموزه‌ای که در دین مسیحیت رایج است، حدود ۳۰۰ موردش، امور بسته شده به دین مسیح است که با متن اصلی تعارض دارد، و لذا گفت که من می خواهم همین ۳۰۰ مورد را از بین ببرم. اما متأسفانه جریان اصلاح طلبی در ایران، از دویست سال پیش به این طرف، نوعی اسارت اندیشه به شکل کورکورانه

داشته، خواسته ادای لوتر را در بیاورد، همینکه وارد بحث شده‌اند، آمده‌اند مثلاً حجاب را به عنوان مظهر عقب ماندگی مطرح کرده‌اند یا قصاص را نماد عقب ماندگی دانسته‌اند با اینکه اگر بررسی می‌کردند، می‌دیدند که حجاب و قصاص، هر دو در متن مستحکم قرآن مجید وجود دارد و علاوه بر اینکه این دو، عامل رهایی و تکامل جامعه‌اند، توسط حجاب، جلوی بسیاری از انحرافات گرفته می‌شود و توسط قصاص از فردی ظالم و خونریز، جامعه به امنیت می‌رسد.

متون درسی معارف اسلامی، باید از آن استحکام برخوردار باشند که مثلاً بتوانند دختر دانشجویی که فاقد حجاب به معنای واقعی کلمه است و به صورت بی حجاب وارد دانشگاه می‌شود، در پایان که می‌خواهد از دانشگاه خارج بشود، از قیود گمراه‌گر و اغواکننده رها باشد و اصل قرآنی حجاب، برایش مقدس و ضروری جلوه بنماید، که متأسفانه این معنا هم از متون درسی معارف، به کلی غایب است.

«متربی را در فضایی مقدس رها کردن، در آیات هستی‌گردش دادن، با چهره‌های مؤمن و ذاکر آشنا نمودن و به تمامی پدیده‌های اطراف مرتبط ساختن، به او امکان می‌دهد تا خود، شخصاً از این نشانه‌های به ظاهر سازمان‌نیافته‌ی برونی، سازمان‌یافتگی درونی را بیافریند و از این گشتالت ناقص بیرونی، گشتالت درونی را کامل کند و این یکی از بهترین و عمیقترین شیوه‌های تربیت دینی است.»<sup>(۱)</sup>



ذهن دانشجویان ما پراز شبهه نسبت به مبانی اصلی دین است، آن وقت با متونی ضعیف می‌خواهیم آنها را نسبت به مبانی علاقه‌مند و وادار نماییم. به قول شاعر:

در میان چار دریا تخته بندم کرده‌ای باز می‌گویی که دامن تو ممکن هشیار باش  
میان آدمی که دین ندارد و آدمی که «دین» خود را گم کرده است و یا آن را  
درک ننموده، تفاوت جوهری وجود دارد. آدم دومی را راحتتر می‌توان به  
سمت دین کشاند، باید متون معارفی ما، دین گم شده را، بتوانند به درستی  
به این نسل که عاشق دین هم هست، معرفی کند و او را از اوهام و پندارها  
رهایی بخشد.

هم اکنون ما شاهد دگرگونی عمیق در سطح ارزشهای عرفی، قراردادی  
هستیم، که بتدریج ارزشهای عرفی و قراردادی به جای ارزشهای دینی  
می‌نشینند و کم‌کم این فرایند به اضمحلال باورهای دینی می‌انجامد، ما چه  
راهکارهایی برای انتقال ایمان به نسل معاصر را پیش رو گرفته‌ایم؟  
پاسخ این است که راهکارهای ما، متون ما، بیان ما و اقدامات ما تکافوی  
انتظارات ما را ندارد. ما چند کار نبایسته را در متون معارفی هم انجام  
می‌دهیم که این کارها به برآیندی نامطلوب منجر شده و می‌شوند:

۱- تکیه بر آموزش صرف به جای تربیت الهی

۲- عدم پاسخ‌گویی به سؤالات پایه

۳- عدم نگرش مناسب و بایسته به نسل جوان و پویای رو به آینده

در انتقال مفاهیم، نگاه آمرانه و از بالا به پایین، بسیار تخریبگر است، زیرا  
در این نوع از نگاهها، دانشجویان خود را دارای فقدان منزلت می‌دانند که  
باعث نوعی انزجار باطنی خواهد شد.

کار متون معارفی در واقع باید منطبق بر دریافت قرآنی باشد:

۱- رهایی بخشی

آنجا که می‌فرماید: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْإِغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛<sup>(۱)</sup>

بارگران را از دوششان بردارد و زنجیرهایی که فکر و اندیشه آنها را به بند کشیده از دست و پا و فرهنگشان بگشاید.

## ۲- تزکیه و تعلیم آموزه‌های الهی

چنانکه می‌فرماید: «یزکیهم و یعلمهم الكتاب والحكمة»؛<sup>(۱)</sup> تزکیه‌شان نموده و کتاب و حکمت را آموزششان دهد. چنانکه مولانا گفته است:

لیک می‌باید زمین از شوره پاک

هم نظر باید زمهر تابناک

تخم اگر در شوره‌زاران کاشتی

بالله ار یک حبه زان برداشتی

ور بریزی تخم را در سایه‌ای

نی از آن سودی بری نی مایه‌ای

معجز احمد که مه را می‌شکافت

در دلِ بوجهل جاهل ره نیافت

جمله قرآن را به آواز بلند

خواند بر او وز خاک آن بر نکند

جلوه‌اش افکند لیکن بی‌سخن

شور در جان اویس اندر قرآن

جذبه‌اش سلمان به سوی خویش خواند

جانب یثرب ز اصطخرش براند

از عنایت، خواجه چون معیار داشت

بشر بود و با بشارت کار داشت

زیرکی بفروش و حیرانی بسخر

زیرکی ظن است و حیرانی نظر

امید که نیم‌نگاهی به کاستی‌های پیشین داشته باشیم.